

## خلیج فارس و امنیت انرژی جهان

## تنگه هرمز، تندیس احترام

هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، تبعات سنگینی برای انرژی جهان به دنبال خواهد داشت.



بدون هیچ تردیدی، می‌توان گفت که آثار و پیامدهای هرگونه تنش نظامی میان ایران و آمریکا در تنگه هرمز به شدت فاجعه‌آمیز خواهد بود و محدود به این ۲ کشور باقی نخواهد ماند. سیمون هندرسون از کارشناسان مؤسسه «واشنگتن برای مطالعه سیاست‌های خاور نزدیک» در این خصوص می‌گوید: «هرگونه ماجراجویی نظامی در خلیج فارس، مادامی که ۲۰ درصد نفت مورد نیاز جهان از تنگه هرمز می‌گذرد و مسیر جایگزین دیگری، برای انتقال نفت منطقه به بازارهای بین‌المللی وجود ندارد، تنها منجر به خطر افتادن امنیت انرژی در جهان و سر به فلک کشیدن قیمت‌ها می‌شود.» چنین اظهاراتی در شرایطی صورت می‌گیرد که به عقیده بسیاری از کارشناسان مسایل بین‌المللی، ایران حتی اگر تنگه هرمز را نیز مسدود نماید در مهربانانه‌ترین حالت، می‌تواند صادرات نفت خود را برای مدتی قطع کند. چنین اقدامی در نهایت منجر به افزایش شدید قیمت نفت در بازار جهانی انرژی می‌شود. علاوه بر این، ایران می‌تواند چه مستقیماً از طریق درگیری با ناوگان جنگی آمریکا و متحدان این کشور که قصد محافظت از تانکرهای نفتی را دارند و چه از طریق مجموعه عملیات‌هایی در خشکی، تلاش سایر کشورها را برای صادرات انرژی از تنگه هرمز خنثی کند. با رخ دادن این شرایط، کشورهای تولیدکننده انرژی، نخواهند توانست ظرفیت خالی ایران را در بازارهای جهانی پر کنند.

با چنین توصیفی می‌توان گفت که آثار و پیامدهای بستن تنگه هرمز، علاوه بر این که فاجعه‌ای برای بازار جهانی انرژی است، تهدید عظیمی برای اقتصاد منطقه نیز می‌باشد. این بحران، بخش‌های صنعتی، بازرگاری، معادن و بیمه را نیز شامل می‌شود که همگی این احتمالات در کنار یکدیگر، فاجعه‌ای تاریخی به بار خواهد آورد. از آنجا که چشم‌پوشی از نفت خلیج فارس برای بازار جهانی انرژی اجتناب‌ناپذیر است، یکی از وظایف اساسی باراک اوباما، به عنوان سکاندار جدید آمریکا این است که با تمام توان خود برای حفظ امنیت عرضه انرژی در تنگه هرمز تلاش نماید تا جهان بتواند آینده قابل‌تصور را برای خود پیش‌بینی کند. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که پیش‌بینی‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، حاکی از آن است که جهان در چند دهه آینده وابستگی بیشتری به نفت خاورمیانه پیدا خواهد کرد. بر اساس آمارهای این سازمان، در سال ۲۰۰۶ میلادی روزانه ۱۶ درصد از نفت مورد نیاز جهان از تنگه هرمز عبور کرده و طبق

مگر این که به ناگهان تکنولوژی‌های غیرمنتظره‌ای برای تولید انرژی ابداع شوند! تلاش برای استفاده از سوخت‌های نامتعارف برای تولید انرژی، در شرایطی صورت می‌گیرند که طبق پیش‌بینی مجدد آژانس بین‌المللی انرژی، حتی در صورت موفقیت چنین برنامه‌هایی، استفاده از انرژی‌های نوین، تنها ۹ درصد از نیاز جهان را به انرژی تا فرارسیدن سال ۲۰۳۰ میلادی تأمین خواهد کرد. آمریکا هرچند نسبت به سایر کشورهای جهان وابستگی کمتری به نفت خلیج فارس دارد، ولی اتحادیه اروپا و ژاپن که به ترتیب ۵۶ و ۸۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از خلیج فارس تأمین می‌کنند، نسبت به ایالات متحد آسیب‌پذیرترند. به همین علت، آمریکا باید مانع از هرگونه ماجراجویی در این منطقه حساس جهان شود تا روند صادرات انرژی از این منطقه، بدون هیچ خطری و در سلامت کامل ادامه یابد. در چنین شرایطی، این پرسش را باید مطرح کرد که آیا می‌توان بدون وارد آمدن ضرباتی جدی به اقتصاد و امنیت بین‌المللی، به دومین تولیدکننده بزرگ نفت آپک و دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان حمله کرد؟ هرچند برای این پرسش احتمالات متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد، ولی بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت که عملی شدن هرگونه تهدیدی علیه ایران، فارغ از نحوه واکنش تهران، تنها یک نتیجه در پی خواهد داشت و آن به خطر افتادن امنیت انرژی در جهان است. ■

پیش‌بینی‌های صورت گرفته، این رقم در سال ۲۰۳۰ میلادی به ۳۰/۵ درصد افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی، استفاده از سوخت‌های جایگزین و سایر اقدامات مشابه ظرف ۵ سال آینده، تنها بخش کوچکی از نیاز کشورهای جهان را به انرژی تأمین خواهد کرد؛

## گنج طلای سیاه

## نقش خلیج فارس در تأمین انرژی جهان



منطقه خلیج فارس از سال ۱۹۷۰ میلادی که تولید مجموع نفت آن، از مجموع نفت تولید شده در منطقه آمریکای لاتین پیشی گرفت، مهمترین منبع تولید انرژی در جهان بوده است. در سال ۲۰۰۶ میلادی، کشورهای منطقه اعم از بحرین، ایران، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحد عربی، ۲۸ درصد از نفت مورد نیاز جهان را تأمین کرده‌اند. این در حالی است که ۵۵ درصد از کل ذخایر نفتی جهان در این منطقه قرار دارد. از طرف دیگر، کشورهای منطقه علاوه بر در اختیار داشتن ذخایر نفتی، مقدار قابل توجهی از ذخایر گازی جهان را نیز در اختیار دارند. برای مثال، ایران بعد از روسیه که ۲۶/۳ درصد از ذخایر گازی جهان را دارا می‌باشد، با مالکیت ۱۵/۵ درصد از ذخایر گازی جهان، دومین کشور بزرگ دارنده گاز در دنیا محسوب می‌شود.

در همین حال کشورهای قطر، عربستان سعودی و امارات متحد عربی، به ترتیب با در اختیار داشتن ۱۴، ۳/۹ و ۳/۳ درصد، ذخایر قابل توجهی از گاز جهان را در اختیار دارند. از همه مهمتر این که قطر و امارات،

سرمایه‌گذاری‌های بسیار کلانی را برای تبدیل خودشان به صادرکنندگان بزرگ گاز مایع LNG در جهان انجام داده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، روزانه ۳/۵ میلیارد فوت مکعب گاز، از طریق تانکرهای مخصوص حمل LNG از تنگه هرمز به آسیا، اروپا و آمریکای شمالی صادر می‌شود. تمامی مسایلی که به آنها اشاره گردید، در نهایت باعث شده که خلیج فارس و حفظ ثبات تنگه هرمز، جایگاه ویژه‌ای برای بازار جهانی انرژی پیدا کند.